

پوهنمل محمود نظری

په مناسبت ۲۰۱۶ سالگرد مرگ پدری طنز هوراس



پدری طنز هوراس

هشت سپتامبر ۲۰۰۸ میلادی مصادف به ۲۰۱۶ سالگرد

مرگ «هوراس» است

هوراس (Quintus Horatsius Flaccus (Horace) شاعر

ایتالیایی (سال ۶۵ تا ۸ قبل از میلاد). بزرگ ترین شاعر غنایی

روم باستان. یکی از پنج شاعر بزرگ تمدن پیش از مسیحیت

شهرت هوراس بیشتر به خاطر اخلاق خاص و خودبسندگی و
اهمیتی است که به آزادی فردی و درونی می دهد. احساسات و
عواطف پاک بشری، آلام و امیدهایش و عشق و هستی و مرگ
همه پیرنگ اصلی اشعار هوراس بخصوص در اودها (Odi)
است. اما هوراس در دفتر اپودها (Epodi) با نشان دادن اوضاع
سیاسی و اجتماعی خویش قالب های کهن شعر یونانی را در
شکلی نوین و دگرگون شده باز می آفریند. این نوع عروض
ساخته هوراس و دیدگاه های خاص وی در طنز و هزل و غنا او
را به شاعر پیشتاز ادبیات روم باستان بدل ساخته است.

درباره زندگی هوراس، شاعر غنایی سرای دوره آگوستوس در
رم باستان، به دلیل بیوگرافی که اسونتنیوس درباره او نوشته
است، همچنین به واسطه آثار خود هوراس که در آنها به طور
متناوب از زندگی خود روایت می کند، اطلاعات کافی در اختیار
داریم. کوئینتوس هوراتیوس فلاکوس (هوراس) فرزند یک برده
آزاده شده، در 65 ق.م در ونوزا متولد شد. پدرش از راه خرید

و فروش توانسته بود ملك كوچكي براي خود و خانواده اش تهيه كند و از آنجا كه به آینده هوراس توجهي ویژه داشت، او را به يكي از بهترین مدارس دستور زبان و سخن سنجي رم فرستاد. به همین دلیل هوراس همواره در طول زندگي از پدرش به عنوان يكي از بهترین پدرها یاد کرده است.

در رم در کنار دیگر دانش آموزان به شاگردی اوربیلیوس درآمد. در 20 سالگی به منظور ادامه تحصیلات خود به آتن رفت. اما شاعر به خاطر تواضع و فروتنی که داشت همیشه زیر دست دیگران قرار می گرفت و این مساله او را به شدت آزاد می داد. هوراس در جوانی ایدئولوژی جوانان جمهوریخواه رمی که در مدارس سخن سنجی تحصیل می کردند و در غم بازمانده از دوران جمهوری غوطه ور بودند را می پسندید.

شاعر در 42 ق.م در نبرد تاریخی فیلیپیک ها که میان برتوس و کاسوس، دو خودکامه بزرگ، در گرفته بود شرکت کرد. اما در سال 41 ق.م در پی عفو سیاسی اکتاویانوس از جنگ معاف شد و

به رم بازگشت. اگرچه عضو سیاسی به معنای مصونیت سیاسی نبود و هوراس پس از بازگشت به رم متوجه شد که ملك كوچك پدری اش در ونوزا توسط سربازان اکتاویانوس صادره شده است و به این ترتیب او مدتی طعم تلخ فقر را تجربه کرد.

در ادامه، همراه با ویرژیل (هوراس یار صمیمی ویرژیل بود و حتی در قطعه ای او را "نیمه زندگی" خود خوانده بود) به منظور مطالعه تفکر اپیکوری به ناپل رفت و در مدرسه سیسرون به تحصیل در این رشته فلسفی پرداخت.

. میسیناس در 33 ق.م مزرعه‌ای به پاس حسن نیت به هوراس بخشید.

هوراس مردی کوتاه و چاق و مغرور و رد عین حال خجالتی بود

فعالیت شعری هوراس بر اساس طرح‌ها و مقاطع مختلف به 3 دسته تقسیم‌بندی می‌شود: 1- طنز 6 پایه‌ای 2- شعر ایامبیک 3- شعر غنایی..

اپودها (Epodi): اشعار این کتاب وزن ایامبیک در مکتب اسکندرانی دارند، هر یک از بخش‌ها را «ایامبی» نامگذاری کرده و در کل عنوان Epodon Liber را برای کتاب برگزیده است در واقع اشعار مثنوی ایامبیک را اپودی می‌نامند. اپودها شامل 4 شعر طنزآمیز دو شعر ترسناک درباره زنی جادوگر دغیره است **اشعار مختلف المضمون (Satire):** خود شاعر عنوان Sermones را برای این کتاب که به زبان عامیانه و محاوره‌ای نوشته، برگزیده است، این اشعار در وزن مسدس پایه‌ای سروده و در 2 کتاب گردآوری شده است.

این کتاب شامل قطعات محاوره‌ای در موضوعات مختلف است که هوراس تحت تاثیر لوسیلیوس آنها را سرود. که درباره میانه‌روی و بردباری، سفر شاعر همراه با میسیناس به بروندیسیوم، ساده‌زیستی و درباره بدسلیقگی ثروتمندان است.

قصیده ها / اودها (Carmina / Odi): دستور شناسان عنوان **قصیده ها (Carmina)** را برای این اثر هوراس، که در 4 کتاب

گردآوری شده است، انتخاب کرده‌اند. در مجموع کتاب قصیده شامل 103 اود است که بیشتر از اینکه غنایی باشند، تفکرانگیز هستند، هوراس این اشعار را به پیروی از سافو، آلسیوس، سیمونیدس، کالیماکوس، پیندار، آرکیلولوس و آناکرون سروده است. موضوعات این مجموعه، متنوع و در مقولات دعوت، وداع، طبیعت، لذت عشق، اعتبار ملی و نیایش است. به طوری که در کتاب اول بیشتر به اشعار غنایی درباره عشق، در کتاب دوم به موضوعات اخلاقی، در کتاب سوم به وطن دوستی و در کتاب چهارم به ستایش از آگوستوس و خانواده‌اش می‌پردازد.

نامه‌ها (Epistole): نامه‌ها بر وزن مسدس در 2 کتاب گردآوری شده است. نامه‌های کتاب اول در موضوعات آداب، اخلاقیات و خوشبختی و نامه‌های کتاب دوم سرشار از امثال، کلمات قصار و بذله‌گویی است.

ترانه‌های پیروزی (Carmen Saeculare): هوراس این ترانه‌ها را به مناسبت جشن بزرگ ملی که آگوستوس اعلام کرده بود،

سرود. هوراس در این اشعار به ستایش از آگوستوس و روم می‌پردازد.

هنر شاعری (Arts Poetica): در پایان کتاب دوم نامه‌ها، هوراس نامه‌ای به "پیسوها" با عنوان هنر شاعری اضافه می‌کند. این نامه که به دو جوان رومی به نام پیسو نوشته شده است، بر وزن مسدس است.

این اثر سرشار از تفکرات ارسطویی در باب هنر شاعری بوده و به بررسی یگانه مشکل آثار هنری در ارتباط میان محتوا و فرم به خصوص در آثار دراماتیک می‌پردازد. این کتاب ضمن توصیه به مطالعه الگوهای یونانی، عقل سلیم را پایه نگارش خوب می‌داند. بسیاری از عباراتی که در این کتاب به کار رفته است، بعدها زبانزد منتقدان شد که از جمله می‌توان به اصطلاحات «شاه بیت»، «آراستگی و پیراستگی» و «آغاز مطلب از میانه موضوع» اشاره کرد.

هوراس مضامینی در هنر شاعری فراهم و بصورت اندرز برای طالبان عرضه نمود و چنین گفته بود: «موضوعی را که درخور قدرت شما باشد انتخاب کنید، اما برحذر باشید که همچون آن کوه داستانی، پس از درد بسیار، موش نزائید کتاب دلخواه آنست که در آن واحد، آموزنده و سرگرمی آور باشد هر که چیز مفید را با چیز دلپذیر درآمیخته باشد، صدای احسنت را برخواهد آورد. از بکار بردن الفاظ جدید یا منسوخ یا بسیار طویل خودداری کنید. تا آن حد که بروشنی کلام بر نخورد، سخن را به اختصار بگوئید، مستقیم و لب مطلب را بکاوید. هنگام سرودن شعر، مپندارید که احساس، کار همه چیز را انجام می‌دهد. راست است که اگر بخواهید خواننده احساسی را درک کند، شما خود باید آن احساس را درک کرده باشید، اگر بخواهی مرا دریایی نخست باید من خود همان را دریافته باشم. اما هنر ادراک نیست بلکه صورت و ظاهر است. برای آنکه بتوانید صورت هنری را بیافرینید، آثار یونانیان را شبانه روز مطالعه کنید. تقریباً هر چه می‌نویسید پاک کنید، هر «پاره ارغوانی» (خود نمایانه) را قلم بزنید، اثر خود را به نقادان توانا بسپرید و از دوستان خود پرهیزید. اگر از این خوان‌ها گذشت، هشت سال آنرا به کناری نهید. اگر در آن هنگام فایده فراموشی را در نیافتید، آنرا انتشار دهید، اما بیاد داشته باشید که جز به مرور زمان هرگز بیاد نخواهد آمد: اگر نمایشنامه می‌نویسید، بگذارید نفس نمایش و نه کلمات شما. داستان را نقل و افراد نمایش را تصویر کند. صحنه‌های موحش را نمودار مسازید. از وحدت سه گانه عمل، زمان و مکان پیروی کنید داستان یکی باشد و در مدتی کوتاه در یک محل اتفاق بیفتد. در زندگی و فلسفه مطالعه کنید، چون بدون مشاهده و درک سبک کامل هم چیزی میان تهی است.

اگرچه شهرت هوراس به دلیل اشعار غنایی و نقدهای ادبی اوست. اما طنز ملایم مشخص‌ترین ویژگی آثارش به شمار می‌آیند، به طوری که می‌توان گفت: خوش مشربی، بذله‌گویی، رافت و بردباری در ذات شعر او نهفته است. هوراس به شدت پایبند آراستن و پیراستن شعر است و در سرودن اشعارش از وسواس فوق‌العاده‌ای برخوردار است. در واقع اشعار او از نظر فنی بی‌هیچ شبهه‌ای از هرگونه ایرادی مبرا است.

تنها ترجمه آثار هوراس به فارسی ترجمه سیزده شعر اوست که با عنوان "گزینه شعرهای هوراس" به ترجمه هوشنگ سبقتی - تهران نشر دوست- 1380 منتشر شده است. کاری بسیار خواندنی. هر چند نوع لفظ پردازیهای مترجم لذت شعرخوانی را از خواننده سلب می‌کند اما از این روی که تنها ترجمه آثار اوست که با دقت نظری ستودنی فراهم آمده است در خور تقدیر است

چه سبز شکفتند درختان و برف‌ها رفتند

و چمنزار غرق در ژاله باز می روید
نهر بر بستر خویش جاریست
و خاک از پی تغییر خویش می پوید
هراس خویش زدودند پریان افسونگر
عریان به پیشه زار به رقص و بازی
لیک زمان شتابنده در آغازین دم سال
مرا می گوید: هان... تو برای جاودانگی زاده نشده ای
جویبار از پی برفاب ها، پیش پای بهار
آنگاه تابستان استوار می رسد از راه

وانگه خزان طلایی با سیب های فراوان
وبازگشت به زمستان، شب های برفی و خواب...

واوره توله شوه ونی شنی شوی
د برلی لاندی چمن بیا شین کیری
سیندپر خپل حای رهی دی
خاوره دبدلیدو هخه کوی
جادوگرو شاپیری بپله ویری
لوخی په خنگله کی نخیری
خوارختا وخت دکال په سر کی
ماته وایی: هو... ته د تل لپاره نه یی زیریدلی
ویالی اوبه د واورې پسی د پسرلی پنبوته
خو چی گوری بیا دوی وی
بیا طلایی منی د پیرو منو سره
بیرته ژمی اود واری شپی او خوبونه...

چشمه باندوزیا

آی چشمه باندوزیا!
ای جاری بلورین آب ها

با گل‌های آراسته و شراب خوشگوار
اینک نذر خویش را ادا می‌کنم
قوچی با شاخ نورسته
قربانی ات می‌کنم که خون اش
سرخ بیارایدت ای نغمه سرای جاری
و خنکای دامانت را تطهیر کند
آی چشمه باندوزیا!
دور از تو باد طالع شوم ستارگان
وز طلسم شریران گزندی مباد
خنکای بهاری کز سینه ات جاری است.
بنگر که نره گاوان خسته از شخم و گوسپندان به چرا
آبشخوری امن می‌جویند آنجا که
بستر مهربان و فیض جوشان تو جاری است
آی چشمه باندوزیا!
تو را نیز روزی پراوازه و بزرگوار خوانند
زان رو که سروده ام بدین چکامه تو را
چشمه ای شاد زیر آن درخت بلوط
و آیند گان دانند
خنکای آبی که نغمه خوان
از دامان تو می‌ریزد
ای یار بیهوده مجوی زیرا که
هرگز در نمی‌یابی تو را چگونه پایانی است
به گردش ستارگان ثابت و سیار اعتماد نیست
آن به که هر آن چه می‌رسد از راه
بپذیری، بهره ای از تقدیر
چه مرگ در کمین تو باشد امروز یا فردا
چه حاصل از جدل موج با ساحل
وقت را غنیمت دان و جامی به کف برگیر
آروزهای محال را از یاد ببر
اما

دلیرانه روزهایت را دریاب

وی دو [هجونامه](#) بر وزن هشت هجائی (مثنی) سرود و به قدری در کار توصیف مردم در حرفه‌های گوناگون مهارت به خرج داد که از خواندن اشعار وی احساسات و خوبی و بدی آنان را می‌توان لمس کرد. شکمبارگی، آزمندی و شیطننت مردم شهر رم در اشعار هوراس به خوبی وصف گشته‌است. هوراس در اشعار خویش از خود و دیگران انتقاد می‌کند و اخلاق زشت و شهوت پرستی رومیان و آزمندی و حرص و ولع آنها را وصف می‌کند.

هوراس از شیوه‌های شعری و افکار شاعران یونانی سود فراوان می‌جست و در اشعارش از زندگی زودگذر و از خیالات دور و دراز هوس‌آلود جاهلانه سخن می‌گفت و درباره [عشق](#) و [شراب](#)، [دین](#) و [دولت](#)، [مرگ](#) و [زندگی](#) نیز مضامین جالب آورده‌است.

هوراس از مشرب [زنون](#) پیروی می‌کرد. چنانچه خود گفته‌است «پس کیست که آزاد باشد؟» «خردمند، آنکه بر خود چیره باشد، آنکه نه مرگش بترساند، نه فقر نه کند و زنجیر، آنکه تمنیات خود را نهیب می‌زند، بلندپروازی را شماتت می‌کند و بخودی خود کامل است» [۱].

او با اینکه لامذهب بود مذهب را مو عظه می‌کرد، در اواخر عمر به بیماری‌های گوناگون دچار شد و زندگی پررنجی داشت. در آخر در سال ۸ قبل از میلاد درگذشت.

انملیکونه:

Tehran7.com-1

Otosearch.ae-2

Farsnewa.com-3

Ichodoc.ir-4

Farhanggoftogo.com-5

V3ndidad.blogspot.com-6

Morrissociety.org-7

Fa.wikipedia.org-8

Faratarazclossium.blogfa.com-9

Iranianshistoryonthistday.com-10

Collectionscanada.gc.ca-11